

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۱۲ مارچ ۲۰۱۱

## پیامبران

### بخش پنجم

قسمت هائی از انجیل را که من نمی فهمم ناراحت نمی کند.

قسمت هائی از آن را که می فهمم معذب میکند.

مارک توین

ضمن عرض معذرت به خوانندگان عزیز در تأخیر این نوشته باید یادمانی بدارم که علت آن فقط انتظار خودم بود تا اگر هموطنی از هر دیدگاهی چیزی راجع به سه روایتی که از تورات در نوشته قبلی درج شده بود نظری ارائه دارد که متأسفانه کسی در باره آن سه روایت کتاب آسمانی چیزی ننوشت.

در هر صورت خواندن این نوشته ها را به هموطنانی که اعتقادات اسلامی دارند و یا ندارند لازمی میدانم چون آنها که مسلمان هستند و یا خود را مسلمان میدانند باید بدانند به چه نوع پیامبران و کتابهایی که به آن آسمانی میگویند ایمان دارند یعنی ایمان داشتن به پیامبران و کتابهای آسمانی حتمی است ورنه مسلمان نخواهند بود و هم آنانی که مسلمان نیستند بدانند چرا نیستند و به چنین پیامبران و کتابها چرا ایمان ندارند. چون فهمیدن ضرر ندارد

آزاد

### عیسی مسیح

ما به موسی کتاب (تورات) دادیم و بعد از او پیامبرانی پشت سر هم فرستادیم. و به عیسی بن مریم دلایل روشن

دادیم و او را به وسیله روح القدس تأیید کردیم... سوره البقره (گاو) آیت ۸۷

در انجیل متی و لوقا شجره نامه عیسی را چنین میخوانیم: ابراهیم پدر اسحق - پدر یعقوب - پدر یهودا و برادران او

بود، و یهودا پدر فارص و زارح (از تامار) و فارص پدر حصرون - پدر آرام - پدر عمینا داب - پدر نحشون پدر شلمون - پدر بو عز (از راحاب) پدر عبید - (از روت) و عبید پدر یسی - پدر داوود پادشاه بود - داوود پدر سلیمان (از زوجه اوریا) و سلیمان پدر رجعام - پدر ابیاه پدر اسا و یاسا پدر یهو شافاط پدر یورام - پدر عزیا - پدر یوتام - پدر احاز - پدر حزقیا - پدر منسی - پدر آمون - پدر یو شیاہ پدر یکنیا و برادران او بود. درین ایام یهودیان به بابل تبعید شدند. پس از تبعید یهودیان به بابل یکنیا پدر سالتیل - پدر زروبابل - پدر ابیهود - پدر ایلیقیم - پدر ازور - پدر صادق - پدر یاکین - پدر ایلیهود - پدر ایلعاذر - پدر متان - پدر یعقوب - و یعقوب پدر یوسف شوهر مریم بود.

درین جا نسب عیسی از یوسف گرفته شده تا ابراهیم ادامه یافته است در حالیکه نظر به گفته انجیل و قرآن مریم باکره بود و خدا خودش در او دمیده پس باید نسب عیسی به خدا میرسید. چون یوسف بیچاره هیچ کاره بوده است و عملی از او سر نزده که عیسی پسر او باشد

سورة الانبیا آیت ۹۱ : **والتی احصنت فرجها فنفخنا فیها من روحنا وجعلنا وابنها آیه للعلمین.**

تفسیر یوسف علیخان چنین تر جمه نموده اند: و به یاد آور زنی را که دامان خود را پاک نگهداشت و ما از روح خود در او دمیدیم و او فرزندش (مسیح) را نشانه بزرگی برای جهان قرار دادیم. و تفسیر کابلی از آن منحیث (شرمگاه) یاد نموده است. هیچ کدام آن ها به معنی تخت الفظی (فرج) نپرداخته اند و تا جائی که من میدانم فرج به جائی از انسان گفته می شود که میسر مم آنرا بنویسم و تفسیر کابلی آنرا شرمگاه گفته است. (با عرض پوزش از خوانندگان این چند جمله را نوشتم) مسأله این است که آیا در ادبیات عربی چیزی بهتر از استعمال این کلمه نبود تا مورد استفاده محمد قرار گیرد.؟ توقع دارم این معنی را الازهر رفته ها و آنانی که دانش اسلامی دارند و یا هم هموطنان عزیز ما که در ادبیات عربی دسترسی دارند فقط به خاطر روشن شدن مسأله واضح سازند که آوردن چنین کلمه ای در قرآن که می گویند آسمانی است تا کدام اندازه بر خواننده قابل فهم و بر داشت میباشد. چون ما که مفهوم قرآن را نمی فهمیم و با خواندن چنین کلمات و جملات در مساجد و بعد از ادای نمازی که از آن هم چیزی نمی فهمیم زیر تاثیر صدای قاری و احساس خود، شاید چند قطره اشکی هم بریزانیم.

در انجیل مرقس چیزی در باره تولدی عیسی نوشته نشده است فقط از اول رسالت او سخن به میان آمده است. هر چهار انجیل در بسیاری موارد باهم اختلاف دارند.

عیسی در زبان عبری یشوع است که به زبان عربی عیسی میشود در فارسی مفهوم (نجات دهنده) دارد. یهودیان نسبت کینه ای که با او داشتند او را (عیسو) به معنای پشمالو می گفتند.

عیسی پیامبر را روح الله نیز می گویند برای اینکه خدا از روح خود در او دمیده است. از عیسی در ۱۳ سوره ۳۳ آیت در قرآن یاد شده و ۱۱ جا به نام مسیح ۲۵ مورد به نام عیسی و ۲۳ محل به نام بن مریم خوانده شده است. طبق روایات انجیل و آیت های قرآن عیسی از مریم که باکره بود تولد شده است (باورش بر شما است. چون علم و دانش تحولات موجود انسانی را تابع شرایط خاص دانسته و عواملی هم دارد. تشریحات درین باره را میگذارم به هموطنانی که در همین رشته تخصص دارند) من فقط همین را نوشتم.

عمران پدر مریم از علمای بنی اسرائیل بود. مادر مریم حنه نام داشت و خواهر او حنانه که زن زکریای پیامبر بود. عیسی از آل عمران بوده یعنی از خانواده اسمعیل فرزند ابراهیم میباشد. عمران پدر مریم وقتی دید زنش حامله شده است نذر کرد اگر طفل دختر یا پسر باشد او را خدمت هیکل در بیت المقدس قرار دهد. وقتی که مریم تولد یافت بعد از هفت سالگی او را برای خدمت مزگت به خدمه معرفی نمود. بر خی ها نوشته اند خادم مزگت زکریا بود و بعد از فوت عمران او را نزد زکریا که شوهر خاله مریم هم بود گذاشتند. یکروز خاله اش متوجه شد که غذای مریم غیر از آن غذا هائی است که باید بخورد پرسید این غذای توست؟ مریم گفت بلی از نزد خدا آمده است... مریم را در ۱۳ سالگی به عقد یوسف بن یعقوب بن متی یا متان که پسر عمویش بود در آوردند و پیش ازینکه با یوسف همبستر شود فرشتگان او را مژده دادند به فرزندى که عیسی نام دارد. سوره مریم آیت ۱۶:

و درین کتاب (آسمانی) مریم را یاد کن آن هنگامی که از خانواده اش جدا شد و در ناحیه شرقی (بیت المقدس) قرار گرفت.

مدت حاملگی اش ۹ ماه و ۸ روز و سه ساعت بوده است.. (مجلسی) روزی مریم از "مزگت بیت المقدس"- مسجد اقصی- برای دیدن خاله خود رفت و برای شستن سرو صورت خود خلوتی اختیار کرد که آنجا را (عین الصلوة) خواندند و پرده آویخت تا کسی او را نبیند. **ناگاه جبرئیل به صورت پسری با رخسار دلفریب و شمایل نیکو تجلی نمود** و مریم بیمناک شد و گفت به خدا پناه میبرم از پیش من دور شو... جبرئیل گفت من رسول خدا هستم و آمده ام که **نفخه ای در تو بدمم تا فرزند پاکیزه بیاوری** و مریم از همان نگاه اول تغییر حالت داد. سوره مریم آیات ۱۷ تا ۱۹: و میان خود و آنان حجابی افگند **(تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد)** درین هنگام ما روح خود را به سوی او فرستادیم و او در شکل انسانی بی عیب و نقص بر مریم ظاهر شد. او (سخت ترسید) و گفت: من از شر تو به خدای رحمن پناه می برم اگر پر هیز گاری. گفت: من فرستاده ای پرور دگار توام (آمده ام) تا پسر پاکیزه ای به تو ببخشم (و پس روح خدا را) در او دمید و مریم عیسی را حامله شد. (فکر میکنم دمیدن روح از راه دور و توسط اصرافیل هم میشد و ضرورت به تنهائی و پرده کشیدن به دور خود برای عبادت با آن پسر خوش سیما که خداوند میگوید جبرئیل بود نبود و اینکه مراحل حاملگی مریم مثل دیگر انسانها ۹

ماه دوام نمود. نمیدانم باید همان طوریکه روح دمیده شده بود عیسی هم فوراً تولد میشد چرا آن بیچاره را در شکم مادر ۹ ماه عذاب دادند؟) و راز خود را از مردم پنهان داشت. سوره مریم آیت ۲۲: سر انجام (مریم) باردار شد و او را به نقطه ای دور دستی برد ( و خلوت گزید ). اما در وقتی که خداوند از روح خود در آدم دمید توسط جبرئیل بود نه جوانی خوش قامت و بالا بلند. البته روی این مسأله در بخش (روح چیست؟) صحبت خواهیم نمود. اولین کسی که غمگین و آشفته شد شوهرش یوسف بود که پرسید آیا پسری بدون پدر میتواند به وجود آید؟ مریم گفت: بلی آدم و حوا پدر نداشتند. یوسف غمگین شد و تصمیم گرفت مریم را ترک کند... چون وقت حمل نزدیک شد مریم از بیت المقدس بیرون رفت و کنار شط فرات نزدیک درخت خرما رسید توقف. در کشور بابل که امروز کر بلا است پشت به آن درخت داد و عیسی متولد شد. سوره مریم از آیات ۲۴ تا ۲۷. مریم نظر به امر خدا از خرما خورد. مریم به خدا گفت اگر از من پرسند این کودک از کیست چه جواب بگویم. در همین تاجر بود که آن کودک نوزاد (عیسی) گفت:

ای مادر غمگین مباش. زیر پایت خداوند نهی آفریده از آن آب بنوش و آن شاخه را تکان بده که رطب تازه فرو ریزد و تناول کن. و شاد باش و اگر پرسند که این کودک کیست. بگو نذر کرده ام با کسی سخن نگویم. به هدایت جبرئیل نام او را عیسی نهاد و معرب یوشع است و مسیح معرب ماشیح میباشد که در لغت عبری به معنی مسیح گفته شده است. مریم عیسی را به بیت اللحم آورد بنی اسرائیل به دورش جمع شدند و او را سرزنش کردند. و پرسیدند این بچه کیست؟. مریم گفت: از طفل بپرسید و عیسی به سخن آمد. سوره مریم آیت ۳۰: و گفت منم بنده خدا و خدا به من کتاب داده و پیامبری. مریم ۶۷ سال پس از عروج عیسی به آسمان، زندگی کرد اما به نقل علامه مجلسی قبل از عروج عیسی در گذشت و عیسی مادر را غسل داد و دفن کرد... یوسف عیسی و مریم را با خود به مصر برد تا علم بیاموزد عیسی در مصر ۱۲ ساله شد. روزی یوسف خواب دید که با عیسی و مریم به بیت المقدس برود و آنها به کنار رود اردن رفته خدمت یحیی بن زکریا رسیدند و یحیی عیسی را غسل تعمید داد. لباس یحیی از پشم شتر بود و کمر بند چرمی به کمر داشت و خوراکش ملخ و عسل صحرائی بود و از آنجا به بلده ناصره که مربوط شام بود رفته و ساکن گشتند لذا عیسی را ناصری گفتند که معرب آن نصر است و پیروان او را بدین جهت نصرانی میگویند...

چون "هر دوش" پادشاه بیت المقدس یحیی را در زندان انداخت عیسی از قریه ناصره بیرون رفت و در کنار دریای شام در اراضی زابلون و نفتالی مسکن و در آنجا آغاز پیامبری او میباشد. ۲۹ ساله بود که به دعوت مردم شروع نمود و میگفت که خدا مرا با معجزات زیادی برای هدایت شما فرستاده است... اولین معجزه او ساختن پرنده ای از گل بود و در آن دمید و جان گرفت و پرواز نمود. روزی به امر خدا عازم بیت المقدس شد و در طول راه هر مرد کور و پیر را مداوا و بینا میکرد و وقتیکه در اورشلیم رسید مریضان و کوران خدمتش آمدند و شفاء یافتند. انجیل- انجیل در لغت به معنی بشارت است. و انجیل های فعلی عبارت اند از ۱- انجیل متی ۲- انجیل مرقس ۳-

کتاب انجیل که در قرون سابقه بود و در دائره المعارف انگلیسی نقل شده ازین قرار است : انجیل عبرانی در قرن اول، انجیل پطرسی در قرن دوم، انجیل دوازده در قرن دوم، انجیل اندریو، انجیل برنابا، انجیل برتوماس، انجیل جیمس، انجیل تدیوس، انجیل اپلس، انجیل بابیدلس، انجیل ابیو منتش، انجیل کرینتوس، انجیلحواما، انجیل یهودای انحریوطی، انجیل حیوه، انجیل مریم، انجیل میتاس، انجیل کمال، انجیل فلیپ، انجیل توماس، انجیل راستی، انجیلمار کیون، انجیل نیقودیمس.

**تعدادی از مردم عیسی را مرد زنا زاده می‌گفتند و به شنیدن گفتارش علاقه نشان نمیدادند. و بر عیسی گران آمد و نفرین کرد آنقوم بصورت خوک مسخ شدند.** (حوصله پیامبران هم گاه گاهی سر می‌رود و عوض موعظه دعای بد میکنند.) از معجزات عیسی : شفای بیماران لا علاج، بینا نمودن کور های مادر زاد، زنده نمودن مرده ها و امثالهم.

عیسی مورد خشم پادشاه اسرائیل قرار گرفت و در صلیب آویخته شد. که البته درین باره دو نظر عمده موجود است یکی اینکه عیسی را به آسمان بردند و با همین جسم و جسد زنده است تا ظهور خاتم الاوصیا محمد بن الحسن العسکری عج به زمین فرود می آید و با آن حضرت نماز میخواند و زن می گیرد و سنت ابراهیم را اجراء میکند. قول دوم اینست که از کلمه متوفیک استفاده کرده اند که عیسی را قبض روح کرده و روح او را عروج به آسمان داده اند

سوره آل عمران آیت ۵۲: هنگامی که عیسی از آنان احساس کفر (و مخالفت) کرد گفت : کیست که یاور من به سوی خدا (برای تبلیغ آئین او) گردد حواریون (شاگردان مخصوص او) گفتند : ما یاوران خواهیم به خدا ایمان آوردیم و تو نیز گواه باش که ماتسلیم فرمان اوئیم .

مطابق روایات یوحنا، پیش از مراسم عید فصح هنگامی که عیسی به اورشلیم نیامده بود سنهدرین شورای عالی کاهنان به ریاست کاهنی به نام (قیافا) جلسه تشکیل داد تا به کار عیسی رسیدگی شود و همان روز شورا تصویب کرد که باید عیسی کشته شود (یوحنا باب دوازدهم آیه های ۴۹ تا ۵۲) پس دستوری صادر شد که عیسی را توقیف نمایند و عیسی توسط دوستانش از موضوع آگاه شد شخصی به نام نیکودیموس که از سران فریسی بود ماجرا را به عیسی افشاء ساخت. به همین جهت روز ها عیسی آشکار نمیشد تا اینکه تصمیم گرفت به اورشلیم وارد شود...

کاهنان در یافته بودند که لازم است تا یکی از یاران نزدیک عیسی را بفریبند و این شخص یهودای اسخر یوطی یکی از دوازده حواری عیسی بود... یهودا بالشکری آمدند و عیسی را دستگیر نمودند و حواریون او فرار نمودند. صبح زود مشایخ قوم و کاهنان وی را دست بسته به خواری هر چه تمامتر نزد پپلاطس که حاکم رومی آنجا بود بردند. مطابق با رسم جاری که هنگام عید فصح یکی از محکومان محکوم به اعدام را می بخشیدند فرمان آزادی عیسی صادر شد اما کاهنان مردم را تحریک کردند تا عیسی را مصلوب کنند و شخصی به نام باراباس را که محکوم به اعدام بود آزاد کند. صلیبی که نصیب عیسی شد برای باراباس ساخته بودند. صلیب عیسی در وسط دو

صلیب دو جنایت کار و آدمکش بود که یکی از آنها صدا میزد ای عیسی که مرده هارا زنده میکردی حالا خود را از صلیب نجات بده... عیسی بیش از شش ساعت بر فراز صلیب زنده نماند عصر همان روز مردی یوسف نام که ثروت زیاد داشت و از هوا خواهان عیسی بود اجازه خواست تا جسد را به او تحویل دهند و پس از تحویلی جسد او را در عطر های خوشبو پیچانید و در گوری که برای خودش ساخته بود قرار داد. و چون عیسی ادعا داشت بعد از مرگ زنده خواهد شد مریم مجد لیه که تعالیم عیسی را بسیار دوست داشت بعد از دو روز بر قبر عیسی رفت مشاهده نمود که سنگ قبر را برداشته اند کفن و دستمال سر عیسی را یافتند و بس... عیسی مطابق با گفته انا جیل با جسم خاکی به آسمان رفت و این نوع صعود میان یهودیان نظایری دارد در باره صعود موسی، صعود انوخ، صعود ایلیا تو سط گردباد، صعود الیاهو و صعود اشعیا نبی روایاتی وجود داشت.

دین مسیح بعد از نشیب و فراز های زیاد در سال ۳۸۳ میلادی به رسمیت شناخته شده و کیش رسمی دولت روم گردید... مسیحیت بعد از قرنها با اسلام که بعد تر از آن به وجود آمده بود، دچار کشمکش هائی شده که منجر به جنگ های دوامدار و کشنده ای شد که مشهور به جنگ های صلیبی اند. جنگ صلیبی در سال ۱۰۹۷ شروع شد و سه صدسال طول کشید که بعد از کشتار و بیرحمی های زیاد سر انجام قرار دادی بین صلیبیون و مسلمانها منعقد شد که به موجب آن زوار مسیحی از هر گونه تعرض مصون ماندند و شهر اورشلیم به دست سلرلسن ها (عرب های صحرا نشین) باقی ماند.

حواریون عیسی ۱۲ نفر بودند و وصی بلا فصل او شمعون است که همان معجزات مسیح را میکرد و وقتیکه شمعون کشته شد وصی خود یحیی بن زکریا را قرار داده است. حواریون بعد از عیسی اختلاف پیدا کردند و فرق مختلفی پیدا شد و عقیده ای تثلیث قوت گرفت.

سوره نساء آیات ۱۵۷ و ۱۵۸ (و گفتار شان که (ما مسیح عیسی بن مریم پیامبر خدا را کشتیم) در حالیکه نه او را کشتند و نه بر دار آویختند لکن امر بر آنها مشتبه شد و کسانی که در مورد قتل او اختلاف کردند از آن در شک هستند و علم به آن ندارند و تنها از گمان پیروی میکنند و قطعا او را نکشتند. بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد و خداوند توانا و حکیم است.

گروهی از مسیحیان پیرو عقیده تثلیث اند (خد، روح القدس، عیسی) و سه فرقه مشهور عیسوی در جهان وجود دارد، کاتولیک ها، پروتستانها و ارتدوکس ها.

خدائی را که عیسی تبلیغ میکرد صلح طلب و خیر خواه بود نه آن خدای ظالم و انتقام گیر صالح و موسی و ابراهیم. او میگفت: اگر کسی به صورتت سیلی زد طرف دیگر صورتت را پیش آر.

این خدا با خدای محمد فرق دارد. خدای موسی و محمد آن خدائی است که به خاطر پای شتر صالح پیامبر یک قومی را با فرستادن زلزله از بین برد. خدائی است که آتش را بر ابراهیم گلزار نمود و بافرستادن جبرئیل او را نجات داد اما نتوانست زن او را (سارا) از چنگال فرعون بیرون بکشد و گذاشت فرعون با او همخوابه شود.

خدائی که به پیامبران تجاوز و همخوابگی زنهای مردم را جایز میداند و کاری نمیکند ورنه داوود پیامبر اوریای

حتی را در جنگ روانه نمی کرد تا کشته شود، تا زنش نصیب داوود پیامبر شود. خدائی است که قوم و دو شهر سودوم و گومورا را خراب و از بین برد اما در وقت زناى پدر (لوط) با دخترانش چشمان خود را بست. خدائی که کشته شدن میلیون ها انسان را در جنگ های صلیبی نادیده گرفت. خدائی که میلیون ها انسان این کره خاکی را در جنگ های اول و دوم جهانی اراده کشتن شانرا نمود، خدائی که با کشتن ۳۰۰ هزار نفر در زلزله زیر آبی اندونیزیا شاید هم لبخند میزد. خدائی که دو میلیون انسان شریف و پاکدل مارا زیر گلوله های ارتش سرخ قرار داد. خدائی که بوی گوشت سوخته شش میلیون یهودی در کوره های آدم سوزی هیتلر به مشامش نرسید و خداوندی که آسمانها را با دو دستش بالا نگهداشته است و خدائی که به پیامبران خود قدرت معجزه داد و زندهای فراوان نصیب شان ساخت. این همان خدائی است که عیسی از محبت او صحبت میکند. خدائی که جز جنایت و فلاکت به مظلومان چیزی دیگری روا نداشته است و همیشه قدرت مندان را در آغوش باز پذیرفته و قدرت بیشتر شان میدهد تا آنچه از جنایت و بی ناموسی میتوانند بر مردم ستمکشیده دنیا عمل بدارند.

در بخش ششم پیامبران با آشنا شدن بیشتر با محمد و دین اسلام پی به این جنایات مقدس خواهیم برد.

تا آنزمان

یک فیلسوف تا حال هرگز یک روحانی را نکشته است در حالیکه روحانیون فلاسفه ای زیادی را کشته اند.

#### دنیس دیروت

طبق روایت های تاریخ دانان یهود همچو شخصی وجود نداشته است و کسی دیگری بنام یهودای جلیلی قیام نموده بود اما اختلافات اناجیل که بعدا نوشته شده است صراحت تام نداشته و در بسیاری موارد با اختلاف هم دارند نوشته فوق بر گرفته از آیات قران - تفسیر مولانا محمود حسن دیو بندی - تاریخ انبیا ج ۱ ترجمه حسین عماد زاده - هدایه السترین ص ۲۵۷ - سفینه البحاص ج ۱ ص ۵۴۲ و انجیل متی - مرقس - لوقا - و یوحنا و تاریخ

ادیان جهان میباشد